

## صلح حسنی، راه قیام حسینی را هموار کرد/ غم روز سایاط بر امام مجتبی

مفاد صلح امام حسن(ع) خصوصاً برای آینده جهان اسلام بسیار تعیین کننده بوده است. همین سند بود که راه امام حسین(ع) را برای قیام هموار کرد.



مفاد صلح امام حسن(ع) خصوصاً برای آینده جهان اسلام بسیار تعیین کننده بوده است. همین سند بود که راه امام حسین(ع) را برای قیام هموار کرد.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: وقتی امیرالمومنین به شهادت رسید، مردم منقلب شدند و به در خانه امام مجتبی رفتند و به امام به عنوان وصی و فرزند ارشد امیرالمومنین، تسلیت گفتند و آن بزرگوار را تا مسجد جامع کوفه همراهی کردند و بر منبر پدر نشاندند. مردم گریه می کردند و انتظار سخنانی داشتند. حضرت مدتی گریستند و مردم هم گریستند و سپس در تجلیل از امیرالمومنین و در مقام شامخ آن حضرت سخنانی را بیان کردند که هیچ کس از پیشینیان و پسینیان، جز پیامبر خدا بر او سبقت نگرفته است. بعد از مظلومیت آن حضرت و ظلمی که مردم به ایشان کرده بودند، یاد کرد.

وقتی سخنان حضرت تمام شد، ابن عباس خطاب به مردم گفت مردم چه نشسته اید که این فرزند رسول خدا(ص) و فرزند خلیفه شهید شماست که با شما سخن می گوید، او شایسته ترین فرد برای خلافت است، با او بیعت کنید. خود مردم هجوم آوردند و با امام بیعت کردند، در حالی که می گفتند ای زاده رسول خدا، تو را بسیار دوست داریم و تو شایسته ترین فرد برای خلافت هستی.

بنابراین امیرالمومنین در امر خلافت جانشین تعیین نکردند و همانگونه که پس از قتل عثمان، مردم سراغ امیرالمومنین آمدند و تکلیف برای حضرت ایجاد شد و خلافت را پذیرفت، اینجا هم مردم سراغ امام مجتبی(ع) آمدند و خودشان بیعت می کنند.

اما طولی نکشید که معاویه توطئه هایی را علیه حکومت امام حسن(ع) ترتیب داد. اولین توطئه این بود که جاسوسانی به کوفه و بصره برای ایجاد آشوب فرستاد. یعنی هواداران اموی را وادارند که شورش بکنند. امام این توطئه را کشف می کند و جاسوسی که مامور ایجاد فتنه و آشوب در کوفه بود شناسایی می شود و به فرمان امام اعدام شد. لذا توطئه آشوب در کوفه خنثی شد. حضرت نامه ای به فرمانروای بصره نوشت که جاسوسی مامور ایجاد آشوب در شهر توست، او را دستگیر و اعدام کن. لذا این توطئه خنثی شد و معاویه توطئه دیگری ترتیب داد که طرح ترور امام بود.

معاویه به ۴ نفر از رجال مسئله دار کوفه که می دانست اینها با اهل بیت مشکل دارند، نامه نوشت که اگر حسن(ع) را از بین ببرید پاداش هایی مانند سیصد هزار درهم، ازدواج با یکی از دخترانم و فرماندهی یکی از لشکرهای شام، در انتظار شماست. به هر کدام از اینها همین متن را فرستاد. امام این توطئه را نیز کشف می کند. منتهی ۴ نفر چون افراد برجسته و سران قوم هستند و قصاص قبل از جنایت هم نمی توان کرد، امام با آنها برخوردی نداشت. اما حضرت زیر لباس خود زره می پوشید و کسی خبر نداشت. روزی حضرت در محراب مسجد کوفه به نماز ایستاده بود که مورد سوء قصد قرار گرفت. نیزه ای به طرف حضرت پرتاب شد که اصابت کرد و حضرت به زمین افتاد. اما با کمال تعجب دیدند که حضرت سالم اند و آنجا معلوم شد که امام زیر لباس زره دارند.

بعد از این قضیه امام، نامه ای به معاویه نوشت و این دو توطئه را بر او خرده گرفت و نوشت بیش از این بار گناهان خود را سنگین نکن و مردم را به کشتن نده. حضرت او را تهدید کرد که از ادعای حکومت شام کناره گیری کن وگرنه من به سوی تو حرکت خواهم کرد.

در گزارش پیش رو در گفتگو با محمدحسین رجبی دوانی، کارشناس تاریخ و محمدعلی عبداللهی عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به بررسی و تحلیل اتفاقات معطوف به صلح امام حسن(ع) خواهیم پرداخت.

محمدحسین رجبی دوانی در مورد اتفاقات منتهی به صلح امام حسن(ع) گفت: وقتی در مدائن لشکر امام از هم گسیخته شد و خنجرى هم به ران امام زدند. معاویه نامه ای به امام مجتبی نوشت و نامه های برخی از فرماندهان

لشکر امام، خطاب به خود را ضمیمه کرد که نوشته بودند تو بگو امام را زنده به تو تحویل دهیم یا مرده! معاویه عنوان کرد که با این لشکریان می خواهی با من بجنگی؟ صلاح تو در این است که کناره گیری کنی و با من صلح کنی و من هر شرطی که تو بگذاری، می پذیرم.

وی ادامه داد: امام حسن(ع) بسیار هوشمندانه عمل کردند. معاویه هرگز فکر نمی کرد که امام پیشنهاد او را بپذیرد. تصور معاویه این بود که امام این پیشنهاد را رد می کند و اگر جنگی در بگیرد امام حسن و امام حسین(ع) هر دو به شهادت می رسند و امامت همان جا از بین می رود.

امام حسن فرمود معاویه ما را به چیزی دعوت می کند که نه خیر دنیا در آن است و نه آخرت. اگر پیشنهاد او را بپذیریم می بینم آب و نانی را که خدا برای شما مقدر کرده، بچه های شما به در خانه آنها می روند و درخواست می کنند و از آنها دریغ می شود. اگر رضای خدا و مرگ با عزت را ترجیح می دهید، پیشنهاد او را ندیده بگیرید و به جنگ او برویم چراکه جز شمشیر بین ما و او نباید حکم کند. اما اگر دنیا و باقی ماندن در آن را ترجیح می دهید، پیشنهاد او را بپذیرید.

وی افزود: امام حسن(ع) وقتی نامه را دریافت کرد به میان لشکر آمد. در میان لشکری که از هم متلاشی شده با همان حالت جراحت، سخنرانی کرد و فرمود مردم من می دانم خودم به تنهایی خدا را چگونه عبادت کنم که از من راضی باشد، اگر ایستادم به خاطر شماسست. معاویه ما را به چیزی دعوت می کند که نه خیر دنیا در آن است و نه آخرت. اگر پیشنهاد او را بپذیریم می بینم آب و نانی را که خدا برای شما مقدر کرده، بچه های شما به در خانه آنها می روند و درخواست می کنند و از آنها دریغ می شود. اگر رضای خدا و مرگ با عزت را ترجیح می دهید، پیشنهاد او را ندیده بگیرید و به جنگ او برویم چراکه جز شمشیر بین ما و او نباید حکم کند. اما اگر دنیا و باقی ماندن در آن را ترجیح می دهید، پیشنهاد او را بپذیرید. از جای جای لشکر فریاد بر آمد که دنیا، دنیا و باقی ماندن در دنیا! اینجاست که امام صلح را می پذیرد.

رجبی دوانی گفت: پس از داستان هایی که برای امام حسن پیش آمد و ماجرای صلح آن حضرت، امام چند روزی در کوفه ماندند. دردناک این است که گروهی از شیعیان مثل سلیمان ابن سرد، مسیب ابن نجبه و حجر ابن عدی و... به امام گستاخی کردند. سلیمان و مسیب وقتی بر امام وارد شدند، حضرت را مذل المومنین خواندند. سلیمان می گوید «چرا صلح را پذیرفتید؟ من می توانستم صد هزار شمشیرزن در دفاع از شما بیاورم.» حال اینکه در زمانی که امام فریاد می زد جز شمشیر بین ما و معاویه حکم نمی کند، سلیمان سکوت کرده بود. حجر هم که به خدمت امام آمد گفت «ای کاش پیش از آنکه این صلح را بپذیری هم تو مرده بودی و هم ما که ما این روز را نینیم. با پذیرش صلح تو ما را از عدل به سوی ظلم راندی.» امام هر چه تلاش کرد که به آنها بفهماند این صلح حکمتی داشته است، درک نمی کردند. فرمود مثل من و شما مثل خضر و موسی است. خضر کارهایی می کرد که موسی حکمت آن را نمی دانست و بر او اعتراض می کرد. امام فرمود یکی از حکمت های این صلح این بود که جان شما بازماندگان شیعیان پدرم را حفظ کنم. اگر این کار صورت نمی گرفت شیعه نابود شده بود و این چیزی است که معاویه می خواست.

وی ادامه داد: بالاخره امام کوفه را ترک کردند و به همراه همه خاندان امیرالمومنین مقیم مدینه شدند. در حالی که می گویند امام به شدت در برابر این وضع ناراحت و غمزه بود و در خود این غم را نگه می داشت. روز عاشورای امام حسین درست است که بسیار سخت و سنگین بود اما بعضی از علما مانند علامه شرف الدین می گویند از نظر ایثار روز ساباط امام حسن(ع) از روز عاشورای امام حسین(ع) سنگین تر و سخت تر است. ساباط یکی از محلات شهر مدائن بود که در آنجا امام مجتبی(ع) مجبور شد، صلح را بپذیرد. یعنی بسیار سخت است که اینگونه بخواهد بر حضرت بگذرد و ۱۰ سال هم حضرت تحمل کند. مروان حکم که دشمن اهل بیت است می گوید از صبر و حلم حسن(ع) من در شگفتم. به کوهی اشاره کرد و گفت اگر مصیبت ها و سختی هایی که به حسن(ع) وارد شده به این کوه وارد می شد، این کوه فرو می ریخت. لذا دشمن از صبر امام حسن(ع) تعجب می کند.

بعضی از علما مانند علامه شرف الدین می گویند از نظر ایثار روز ساباط امام حسن(ع) از روز عاشورای امام حسین(ع) سنگین تر و سخت تر است. ساباط یکی از محلات شهر مدائن بود که در آنجا امام مجتبی(ع) مجبور شد، صلح را بپذیرد. یعنی بسیار سخت است که اینگونه بخواهد بر حضرت بگذرد و ۱۰ سال هم حضرت تحمل کند.

اما در تحلیل چرایی صلح امام حسن(ع) و پاسخ به این سوال که آیا در منطق اهل بیت(ع) صلح اولویت دارد یا جنگ؟ با محمدعلی عبداللهی به گفتگو نشستیم. وی در این باره گفت: به نظر می رسد در منطق اهل بیت(ع) اصالت نه با جنگ و نه با صلح است، بلکه با تربیت و زندگی ایمانی مردم می باشد. جنگ و صلح هر دو جزء زندگی هستند و نمی توان به بخشی از زندگی اصالت داد و بخش دیگر را نادیده گرفت. زندگی باید توأم با رشد و پیشرفت همه

جانبه و دینی باشد و هر روزی که می گذرد با گذشته فرق کند و معرفت و درک بیشتری حاصل شود. برای زندگی کردن گاهی جنگ و گاهی صلح انتخاب می شود. جنگ، صلح را با خود دارد و صلح هم توأم با جنگ است و هر دو وسیله ای برای پیشرفت و تعالی زندگی هستند. آنچه اهمیت دارد پیشرفت زندگی است و این امر گاهی با یک عهدنامه؛ صلح و گاهی با شمشیر زدن به دست می آید. صلح و جنگ هر دو به ما نشان می دهند؛ نتیجه آن بود که همه حیات را در همین دنیا خلاصه می کردیم.

وی ادامه داد: تردیدی نیست که هدف امامان(ع) هدایت انسان هاست و این هدایت فکری، اعتقادی و اخلاقی و ایمانی قاعداً باید ابزار متناسبش را داشته باشد. هر ابزار تربیتی هم باید به نوبه خود اقناع ایمانی را موجب شود. جنگها و مصالحه ها در رفتار های سیاسی اهل بیت در این راستا معنا پیدا می کنند. به همین دلیل نرمش؛ برای ایشان در برابر حکام را به تعبیری نرمش قهرمانانه؛ می نامیم. نرمش و یا سختگیری باید قانونی صورت بگیرند و نهایت تلاش و برنامه ریزی انجام شود که هزینه های کمتری متوجه جامعه گردد. وقتی در منطق امام مجتبی(ع) دقت می کنیم، مشاهده می کنیم که ایشان به گونه ای مدیریت کردند که بیشترین دستاوردها با کمترین هزینه حاصل شود. نه تنها قانونی عمل کردند، بلکه یک قانون اساسی به وجود آوردند.

عبداللہی افزود: مفاد صلح امام حسن(ع) خصوصاً برای آینده جهان اسلام بسیار تعیین کننده بوده است. همین سند بود که راه امام حسین(ع) را برای قیام هموار کرد. در این سند قانونی یعنی عهدنامه صلح امام حسن(ع) آمده است که بعد از معاویه حکومت به امام حسن(ع) منتقل خواهد شد و اگر برای امام حسن(ع) هم حادثه ای بیفتد امام حسین(ع) حکومت را برعهده خواهد داشت، لذا جامعه آن روز حتی کسانی که مخالف بودند برطبق عهدنامه، در انتظار حکومت امام حسین(ع) بودند که آن نامه های فراوان دعوت از ایشان را ارسال کردند. امام حسین(ع) از لحاظ حقوق اساسی باید قیام می کردند و اگر این قیام اتفاق نمی افتاد، یزید چیزی از اسلام باقی نمی گذاشت و اسلام برای همیشه دفن شده بود. عاشورا است که باطن و حقیقت پیام اسلام را برای همیشه آشکار نمود و اگر صلح امام حسن(ع) نبود امکان ظهور این حقیقت میسر نمی شد و عمق راه پیامبر اسلام(ص) در عاشورا نمایان نمی گردید. آنچه دایره صدر اسلام را تکمیل کرد و حلقه اتصال شد، عهدنامه صلح امام حسن(ع) بود.

مفاد صلح امام حسن(ع) خصوصاً برای آینده جهان اسلام بسیار تعیین کننده بوده است. همین سند بود که راه امام حسین(ع) را برای قیام هموار کرد

وی ادامه داد: درست است که مفاد صلح، حکومت را برای یک دوره موقت از جایگاه امامت خارج می کند اما مهم این است که کارها بر اساس میثاق و عهدنامه انجام پذیرد، البته در زمینه مفاد عهدنامه هم امام حسن(ع) دقت های لازم را داشتند که موارد ظالمانه؛ در آن ننگد و جلوی جنگ و خونریزی گرفته شود. تلاش کردند که مفاد عهدنامه عادلانه باشد و موجب حفظ دماء مسلمین شود و جلوی ظلم؛ های بعدی را هم بگیرند. در تدوین مفاد عهدنامه مشارکت عمومی وجود داشت، نظرات همه؛ سرشناسان گرفته می شود و سپس حضرت نظرات همه را مشاهده و به همه ریزه کاریها توجه کامل می کرد.

وی افزود: عهدنامه امام حسن(ع)، هم تاریخ گذشته اهل بیت(ع) را به سرانجام رساند و هم فعالیت های آینده را زمینه سازی نمودند. معاویه آنچنان مجذوب به دست گرفتن حکومت بود که اهمیت قطعنامه را متوجه نشد و فکر می نمود؛ کرد که وقتی به حکومت برسد این عهدنامه بی ارزش خواهد بود، اما پس از اینکه به حکومت رسید، هرچه زمان می گذشت سنگینی این عهدنامه را بیشتر احساس می کرد. همین عامل بود که اقدام به شهید کردن امام مجتبی(ع) نمود. عهدنامه صلح امام حسن(ع) تأثیرگذاری فوق العاده ای در میان جامعه مسلمانان داشته است و مسلمانان را با زندگی در پرتو حقوق اساسی آشنا نمود.

عبداللہی در پایان گفت: بعضی ها نسبت به عهدنامه صلح امام حسن(ع) نگاه ساده ای دارند و به صورتی عمیق به دلایل این اقدام حسن(ع) توجه نکرده اند و گمان می کنند این اقدام صرفاً نشانه ای از صلح طلبی است. در صورتی که قضیه، جنگ طلبی یا صلح طلبی نیست.